

تعیین مسیر اقتصاد در دوران پس از تحریم

پس از قرائت بیانیه مشترک ایران و کشورهای 5+1 شرایط مناسبی برای لغو تحریم‌های اقتصادی کشور فراهم شده است که همین مساله علاوه بر صورت و ظاهر خوشایندی که دارد...



پس از قرائت بیانیه مشترک ایران و کشورهای 5+1 شرایط مناسبی برای لغو تحریم‌های اقتصادی کشور فراهم شده است که همین مساله علاوه بر صورت و ظاهر خوشایندی که دارد، ایران و اقتصاد کشورمان را در یک آزمون تاریخی قرار داده است. به عبارت دیگر، در شرایط کنونی اقتصاد ایران می‌تواند تصویر مستحکم و استواری را از خود برای آیندگان به یادگار بگذارد یا اندوه حسرت‌نا، نساها، آینده، از هم، اما، رقم نند. ورود به این بحث البته احتیاج به مقدماتی دارد که سبب می‌شود مسأله به طور واضح تر بیان شود. در وهله اول باید به این موضوع بپردازیم که اقتصاد چگونه دانشی است. بسیاری از دانشگاهیان و اغلب کشورهای توسعه یافته صنعتی، اقتصاد را یک دانش کاملاً قابل پیش بینی، اندازه گیری و محاسبه پذیر می‌دانند؛ حال آن که واقعیت خلاف این است. انسان امروز پس از عبور از هزاران سال تولید و مصرف خوداتکایی، به شرایط مازاد تولید رسیده و این مازاد را به انحای مختلف مصرف می‌کند.

یکی از این شیوه‌ها بازار است؛ بازاری که هیچ‌گاه در زمان انسان ابتدایی وجود نداشته، امروز به صورتی کاملاً پیچیده و با قواعد و قوانین خاص پیش روی مردم قرار دارد.

اما آیا این تمام آن چیزی است که اقتصاد ایران در شرایط فعلی به آن نیاز دارد؟ آیا با گشوده شدن مرزهای کشور باید صرفاً به فکر توسعه بازارهای اقتصادی در داخل و خارج کشور بود تا بتوان عایدی مادی بیشتری را نصیب اقتصاد کشور کرد؟ این اقدام گرچه مفید است اما زمانی که به زوایای پنهان آن با دقت بیشتری نگریسته شود، می‌توان درجه اولویت آن را اندازه گیری کرد.

جهان بینی و اقتصاد

قدری به تاریخ ایران بازگردیم. در همین کشور کسانی بوده و هستند که اضافه تولید خود را می‌بخشند. نه اینکه آن را در یک بازار رقابتی و با قیمت‌هایی که بازار تعیین می‌کند به فروش برسانند. این شیوه گرچه نمی‌تواند در کل اقتصاد جریان داشته باشد، اما به طور قطع یکی از روش‌های بیمه کردن اقتصاد کشوری است که پرچمدار اسلام در دنیاست. این مسأله یعنی بخشش، به جهان بینی مردم بازمی‌گردد و همین جهان بینی است که تعیین می‌کند انسان مازاد تولیدش را مصرف، توزیع یا هبه کند.

در شرایط کنونی اقتصاد ایران می‌تواند تصویر مستحکم و استواری را از خود برای آیندگان به یادگار بگذارد یا اندوه حسرت بار نسل‌های آینده را از همین امروز رقم بزند

همچنین همین جهان بینی است که تعیین می‌کند ایرانی در زمان خشکسالی - که یکی از بزرگترین موانع تولید در زمان خود بود - در سرزمین خود بماند و برای تولید دست به ابتکار عمل بزند و قنات حفر کند. بنابراین در کنار بعد مادی انسان، یقیناً باید به بعد معنوی او هم توجه داشت؛ چه اینکه مسائلی مانند راستی، درستی، کوشش و ساده زیستی از درون همین مفهوم قابل استخراج و عینیت بخشی است و لازمه تبلور این مفهوم نیز دین است.

زمانی که دین نباشد انسان به صورتی درمی‌آید که دستیابی به اهداف اقتصادی تمام وجود او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است دیگر از یاری رساندن به دیگران چیزی نفهمد و حتی ضرورت بقای محیط زیست و منابع طبیعی برای نسل‌های آینده برایش مفهومی نداشته باشد.

نگاهی به قانون اساسی کشورمان هم گویای همین واقعیت است. این قانون تأکید دارد که اقتصاد وسیله است، نه هدف. در واقع قانون اساسی ایران به دنبال این است تا بگوید اگر انسان اقتصاد را هدف بداند دیگر جایی برای خداپرستی باقی نخواهد ماند و این درست همان چیزی است که غرب می‌خواهد با تأکید بر مفاهیمی از جمله حداکثر کردن سود، فارغ از هر گونه محدودیتی از جمله دین و خانواده و... به آن برسد. حتی می‌توان منشأ سرکوب سیاهپوستان در آمریکا را نیز ناشی از همین تفکر دانست؛ تفکری که به منتقد - که انتقادات بحقی هم دارد - نه تنها اجازه اعلام اعتراضش را نمی‌دهد بلکه او را سرکوب هم می‌کند.

زنگ خطر برای اقتصاد ایران

لذا در شرایط کنونی ما باید ببینیم قرار است در کدام دسته قرار بگیریم. اقتصاد ایران باید تصمیم بگیرد، می‌خواهد در کدام مسیر طی طریق کند. متأسفانه تفکری که در سال‌های گذشته شاهد آن بودیم، نشأت گرفته از یک تفکر اقتصاد آزاد است که

زنگ خطر را برای اقتصاد کشوری اسلامی همچون ایران به صدا درآورده است. دلارهای ارزانی که صرف سفرهای خارجی یا واردات خودروهای لوکس برای طبقه مرفه جامعه شد، بیانگر این مسأله است که گویا نگاه دولت، تقویت ثروتمندان است؛ در حالی که قوه مجریه وظایف سنگینی در قبال طبقه ضعیف جامعه دارد. به همین سبب باید توجه بسیار ویژه ای بر تغییر رویکردها بخصوص حمایت از افشار ضعیف و کم درآمد صورت گیرد. بویژه در شرایطی که لغو تحریم ها می تواند زمینه ساز افزایش تولید محصولات ثانویه به منظور ایجاد اشتغال و جلوگیری از خام فروشی شود تا ضمن استفاده از شرایط جدید ایجاد شده برای اقتصاد کشور، حرکت قطار اقتصاد در مسیر آموزه های دینی، اندیشه های امام (ره) که در وصیت نامه ایشان مکتوب شده و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب که در اقتصاد مقاومتی متبلور شده است، قرار گیرد.

ابراهیم رزاقی
اقتصاددان